



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۷ / شماره ۲ (پیاپی ۶۶) / تابستان ۱۴۰۷
صفحه ۶۱۵ تا ۶۴۰

بررسی تأثیر نقدینگی و اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های تجاری با تأکید بر نقش تعدیل‌گر حسابداری ابری

پشکوت عبدالله عبدالکریم الزنگنه

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Peshkaut.alzangana@iau.ac.ir

زهره حاجیها

استاد، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

drzhajiha@iau.ac.ir

حمیدرضا کردلوئی

دانشیار، گروه حسابداری، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

kordlouie@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نقدینگی و اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی و نقش تعدیل‌کننده حسابداری ابری در شرکت‌های تجاری انجام شد. در مدل نخست، اثرات مستقیم نقدینگی و اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی مورد ارزیابی قرار گرفت و نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته نشان داد که نقدینگی تأثیری مثبت و معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی دارد؛ به گونه‌ای که شرکت‌های دارای سطح نقدینگی بالاتر، به دلیل کاهش محدودیت‌های مالی، توانایی بیشتری در ارائه گزارش‌های دقیق، شفاف و قابل اتکا دارند. در مقابل، اهرم مالی اثری منفی و از نظر آماری معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی برجای گذاشت؛ موضوعی که بیانگر افزایش فشارهای قراردادی، ریسک اعتباری و انگیزه‌های مدیریت برای تحریف اطلاعات در شرکت‌های بدهکار است. در مدل دوم، نقش حسابداری ابری به عنوان یک فناوری تحول‌آفرین در نظام گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که حسابداری ابری تأثیری مثبت، قوی و معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی داشته و ضمن بهبود سیستم‌های کنترل داخلی، سرعت پردازش داده‌ها و دسترسی بلادرنگ به اطلاعات، موجب ارتقای قابلیت اتکا و شفافیت گزارش‌های مالی می‌شود. افزون بر این، یافته‌ها بیانگر آن بود که حسابداری ابری رابطه مثبت میان نقدینگی و کیفیت گزارشگری مالی را تقویت کرده و اثر منفی اهرم مالی را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، فناوری ابری نقش مهمی در تقویت کارکردهای مالی شرکت‌ها و کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر محدودیت‌های نقدینگی و فشار بدهی دارد. این پژوهش با ارائه شواهد تجربی در بستر شرکت‌های ایرانی، تصویری روشن از تعامل هم‌زمان عوامل مالی و فناوری‌های نوین حسابداری ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که ترکیب مناسب ساختارهای مالی و زیرساخت‌های فناورانه می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را به طور چشمگیری ارتقا دهد. در پایان، بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهادهایی برای مدیران، نهادهای نظارتی و پژوهشگران آینده ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: کیفیت گزارشگری مالی، نقدینگی، اهرم مالی، حسابداری ابری، اثر تعدیل‌گر، گزارشگری مالی هوشمند، ساختار سرمایه.

۱- مقدمه

گزارشگری مالی یکی از مهم‌ترین سازوکارهای انتقال اطلاعات اقتصادی از واحدهای تجاری به ذی‌نفعان مختلف است و کیفیت آن نقشی بی‌بدیل در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، بهبود تصمیم‌گیری و افزایش کارایی بازارهای مالی دارد (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱). کیفیت گزارشگری مالی زمانی مطلوب تلقی می‌شود که اطلاعات ارائه‌شده مربوط، قابل اتکا، بی‌طرفانه، به‌موقع و قابل مقایسه باشد. با این حال، کیفیت اطلاعات مالی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که برخی از آن‌ها ریشه در ساختار مالی شرکت دارند و برخی دیگر ناشی از سطح بلوغ فناوری‌های اطلاعاتی مورد استفاده در فرآیند حسابداری و گزارشگری است. در سال‌های اخیر، توجه به نقش ترکیبی این عوامل در شکل‌دهی رفتار گزارشگری مدیران افزایش یافته و از این‌رو مطالعه هم‌زمان شاخص‌های مالی و فناوری‌های نوین در ادبیات پژوهشی اهمیت بیشتری یافته است.

در میان عوامل مالی، نقدینگی به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی سلامت مالی شرکت‌ها مطرح است. نقدینگی مناسب بیانگر توان واحد تجاری در ایفای تعهدات کوتاه‌مدت و برخورداری از انعطاف‌پذیری مالی است. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که سطح نقدینگی می‌تواند بر رفتار گزارشگری مدیران اثرگذار باشد. شرکت‌هایی با نقدینگی مناسب، فشارهای مالی کمتری را تجربه می‌کنند و به دلیل کاهش تضاد منافع بین مدیران و ذی‌نفعان، کمتر به مدیریت سود یا دستکاری ارقام تعهدی روی می‌آورند (دچو و همکاران، ۲۰۱۰؛ لی، ۲۰۱۸). در مقابل، شرکت‌هایی با کمبود نقدینگی ممکن است برای جلب نظر سرمایه‌گذاران یا اعتباردهندگان، انگیزه بیشتری برای ارائه اطلاعات مالی کمتر شفاف یا سودسازی مصنوعی داشته باشند (روچودری، ۲۰۰۶). بنابراین انتظار می‌رود که نقدینگی بالا با کیفیت گزارشگری مالی بهتر همراه باشد و کاهش نقدینگی منجر به تضعیف کیفیت گردد.

از سوی دیگر، اهرم مالی به‌عنوان نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌ها، یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی ساختار سرمایه و توان بازپرداخت تعهدات شرکت است. پژوهش‌ها حاکی از آن است که شرکت‌هایی با سطح بالای اهرم مالی، به دلیل نظارت دقیق‌تر اعتباردهندگان و فشارهای ناشی از قراردادهای بدهی، با انگیزه بیشتری برای مدیریت سود و تعدیل ارقام حسابداری مواجه هستند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). این فشارها می‌تواند زمینه مناسبی برای کاهش شفافیت گزارشگری، تحریف اطلاعات و اعمال رویه‌های فرصت‌طلبانه ایجاد کند. به همین دلیل انتظار می‌رود که اهرم مالی بالا تأثیر منفی بر کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد، در حالی که اهرم مالی پایین با کاهش فشارهای نظارتی و قراردادی، انگیزه‌های مدیریت سود را کم می‌کند.

در کنار این عوامل مالی، تحول دیجیتال و پیشرفت فناوری در سال‌های اخیر باعث شده است که سیستم‌های حسابداری سنتی جای خود را به فناوری‌های نوین بدهند. یکی از مهم‌ترین این فناوری‌ها، حسابداری ابری است که به سرعت در حال تبدیل شدن به زیرساخت اصلی پردازش و ذخیره‌سازی اطلاعات مالی در بسیاری از سازمان‌هاست. حسابداری ابری با فراهم‌سازی امکاناتی نظیر پردازش بلادرنگ اطلاعات، دسترسی از راه دور، کاهش هزینه‌های پیاده‌سازی نرم‌افزار، اتوماسیون فرآیندها و افزایش یکپارچگی داده‌ها، نقش مهمی در ارتقای قابلیت اتکای گزارشگری مالی دارد (مارستون و کلاود، ۲۰۱۱؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰). این فناوری می‌تواند دقت

محاسبات، کنترل‌های داخلی و نظارت لحظه‌ای بر رویدادهای مالی را افزایش داده و در نتیجه احتمال بروز خطا یا تحریف را کاهش دهد.

علاوه بر مزایای فنی، حسابداری ابری با کاهش دخالت‌های انسانی، افزایش قابلیت ردیابی عملیات، و ایجاد گزارش‌های ساخت‌یافته و خودکار، شفافیت فرآیندهای مالی را تقویت می‌کند (پاولو و دیموکا، ۲۰۲۰). چنین زیرساختی می‌تواند رابطه بین متغیرهای مالی (نقدینگی و اهرم مالی) و کیفیت گزارشگری مالی را دستخوش تغییر کند. برای نمونه، در شرکت‌هایی با نقدینگی پایین که معمولاً مستعد رفتارهای فرصت‌طلبانه هستند، حسابداری ابری ممکن است با افزایش نظارت سیستمی، این انگیزه‌ها را کاهش دهد. همچنین در شرکت‌های با اهرم مالی بالا، وجود سیستم‌های ابری می‌تواند فشارهای ناشی از قراردادهای بدهی را با شفاف‌سازی اطلاعات و کاهش ریسک گزارشگری تخفیف دهد.

در محیط اقتصادی ایران طی سال‌های اخیر، با گسترش اقتصاد دیجیتال و تشدید رقابت، بسیاری از شرکت‌ها در حال حرکت به سمت استفاده از فناوری‌های مبتنی بر پردازش ابری هستند. در عین حال، بازار سرمایه ایران با چالش‌هایی مانند عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت پایین برخی گزارش‌های مالی و ضعف در زیرساخت‌های فناوری مواجه است. از این‌رو بررسی نقش فناوری حسابداری ابری در بهبود گزارشگری مالی و اثرگذاری آن بر رفتارهای گزارشگری تحت شرایط مالی مختلف، از اهمیت بالایی برخوردار است. این موضوع به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که بخش قابل‌توجهی از شرکت‌های ایرانی در مراحل اولیه یا میانی توسعه سیستم‌های ابری هستند، و مطالعات تجربی کافی در این حوزه انجام نشده است.

بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نقدینگی و اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی و تحلیل نقش تعدیل‌گر فناوری حسابداری ابری انجام می‌شود. این پژوهش علاوه بر ارائه شواهد تجربی نوین در فضای اقتصادی ایران، می‌تواند برای سیاست‌گذاران، مدیران مالی، مدیران فناوری اطلاعات و نهادهای ناظر بازار سرمایه در جهت ارتقای شفافیت و کارایی گزارشگری مالی مفید باشد.

مبانی نظری

کیفیت گزارشگری مالی یکی از مفاهیم بنیادین در ادبیات حسابداری و مالی است که به میزان توانایی صورت‌های مالی در ارائه تصویری واقعی، شفاف و قابل اتکا از وضعیت مالی و عملکرد اقتصادی واحد تجاری اشاره دارد. در واقع، هدف اصلی گزارشگری مالی فراهم کردن اطلاعاتی مفید برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان است. هرچه اطلاعات مالی ارائه‌شده دقیق‌تر، به‌موقع‌تر و عاری از سوگیری باشد، کیفیت گزارشگری مالی بالاتر ارزیابی می‌شود (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱). پژوهشگران بر این باورند که کیفیت گزارشگری مالی نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران ایفا می‌کند و از طریق افزایش شفافیت اطلاعاتی، موجب بهبود کارایی بازار سرمایه و تخصیص بهینه منابع اقتصادی می‌شود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). از منظر مفهومی، چارچوب نظری گزارشگری مالی ویژگی‌هایی همچون مربوط بودن، قابلیت اتکا، قابلیت مقایسه، قابلیت فهم و به‌موقع بودن را به‌عنوان شاخص‌های اصلی کیفیت اطلاعات مالی معرفی می‌کند.

وجود این ویژگی‌ها سبب می‌شود اطلاعات حسابداری بتواند به‌درستی واقعیت‌های اقتصادی فعالیت‌های شرکت را منعکس کند و زمینه تصمیم‌گیری منطقی و آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان فراهم سازد.

از دیدگاه نظریه نمایندگی، جدایی مالکیت از مدیریت در شرکت‌های مدرن موجب شکل‌گیری تضاد منافع میان مدیران و سهامداران می‌شود. مدیران که کنترل عملیاتی شرکت را در اختیار دارند ممکن است در برخی شرایط انگیزه‌هایی برای دستکاری اطلاعات مالی یا ارائه گزارش‌های جانبدارانه داشته باشند تا منافع شخصی خود را حفظ کنند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). در چنین شرایطی، کیفیت گزارشگری مالی به‌عنوان یک سازوکار کنترلی مهم مطرح می‌شود که می‌تواند رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را محدود کند و شفافیت اطلاعاتی را افزایش دهد. هرچه کیفیت گزارشگری مالی بالاتر باشد، امکان سوءاستفاده از اطلاعات نامتقارن کاهش می‌یابد و اعتماد سرمایه‌گذاران به اطلاعات مالی افزایش پیدا می‌کند. به همین دلیل، پژوهشگران عوامل متعددی را که می‌توانند بر کیفیت گزارشگری مالی اثرگذار باشند مورد بررسی قرار داده‌اند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ویژگی‌های ساختار مالی شرکت، شرایط نقدینگی، میزان بدهی و سطح استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی اشاره کرد (دجو و همکاران، ۲۰۱۰).

یکی از مهم‌ترین عوامل مالی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی، نقدینگی است. نقدینگی بیانگر توانایی شرکت در تأمین وجه نقد لازم برای ایفاء تعهدات کوتاه‌مدت و تأمین نیازهای عملیاتی است. شرکت‌هایی که از وضعیت نقدینگی مناسبی برخوردارند معمولاً با فشارهای مالی کمتری مواجه هستند و در نتیجه انگیزه کمتری برای دستکاری سود یا تحریف اطلاعات مالی دارند. در مقابل، شرکت‌هایی که با محدودیت‌های نقدینگی مواجه هستند ممکن است برای حفظ اعتبار خود نزد سرمایه‌گذاران یا دریافت منابع مالی جدید، به ارائه اطلاعات مالی خوش‌بینانه یا دستکاری سود متوسل شوند (رویچودری، ۲۰۰۶). از منظر نظریه علامت‌دهی نیز، شرکت‌هایی که از وضعیت مالی مطلوبی برخوردارند تمایل دارند این وضعیت را از طریق گزارش‌های مالی شفاف و باکیفیت به بازار مخابره کنند تا اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کرده و ارزش بازار خود را افزایش دهند (اسپنس، ۱۹۷۳). بنابراین، نقدینگی مناسب می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از ثبات مالی و توانایی عملیاتی شرکت تلقی شود و زمینه ارائه گزارش‌های مالی باکیفیت‌تر را فراهم آورد. مطالعات تجربی نیز نشان داده‌اند که شرکت‌هایی با سطح نقدینگی بالاتر، معمولاً از سطح پایین‌تری از مدیریت سود برخوردار بوده و اطلاعات مالی آن‌ها از قابلیت اتکای بیشتری برخوردار است (لی، ۲۰۱۸).

در مقابل، اهرم مالی به‌عنوان شاخصی از میزان استفاده شرکت از منابع مالی مبتنی بر بدهی، می‌تواند اثرات متفاوتی بر کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد. اهرم مالی معمولاً از طریق نسبت بدهی به دارایی یا بدهی به حقوق صاحبان سهام اندازه‌گیری می‌شود و نشان‌دهنده میزان وابستگی شرکت به منابع مالی خارجی است. طبق نظریه اثباتی حسابداری، زمانی که سطح بدهی شرکت افزایش می‌یابد، احتمال نقض قراردادهای بدهی نیز بیشتر می‌شود و در نتیجه مدیران ممکن است انگیزه پیدا کنند تا با دستکاری سود یا تغییر در رویه‌های حسابداری، وضعیت مالی شرکت را بهتر از واقعیت نشان دهند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). این موضوع به‌ویژه در شرایطی که شرکت به آستانه‌های تعیین‌شده در قراردادهای بدهی نزدیک می‌شود اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا نقض این

قراردادها می‌تواند پیامدهایی مانند افزایش نرخ بهره، اعمال محدودیت‌های مالی یا حتی تسریع در بازپرداخت بدهی‌ها را به دنبال داشته باشد. در چنین شرایطی، مدیران ممکن است برای جلوگیری از این پیامدها به مدیریت سود روی آورند که این امر در نهایت موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

از سوی دیگر، برخی مطالعات نشان داده‌اند که بدهی می‌تواند نقش نظارتی نیز ایفا کند، زیرا اعتباردهندگان برای محافظت از منافع خود معمولاً نظارت بیشتری بر عملکرد مالی شرکت‌ها اعمال می‌کنند. با این حال، در بسیاری از موارد فشارهای ناشی از بدهی و هزینه‌های تأمین مالی، انگیزه‌های مدیریت برای دستکاری اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد و در نتیجه اثر منفی اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی غالب می‌شود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵). به‌ویژه در بازارهایی که سازوکارهای نظارتی و حاکمیت شرکتی از کارایی کافی برخوردار نیستند، شرکت‌های با سطح بدهی بالا بیشتر در معرض رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریتی قرار می‌گیرند که این امر می‌تواند به کاهش شفافیت و قابلیت اتکای اطلاعات مالی منجر شود.

در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه فناوری اطلاعات موجب تحول اساسی در شیوه‌های پردازش و گزارشگری اطلاعات مالی شده است. یکی از مهم‌ترین این تحولات ظهور حسابداری ابری است که به‌عنوان یکی از کاربردهای فناوری رایانش ابری در حوزه حسابداری شناخته می‌شود. حسابداری ابری به استفاده از نرم‌افزارها و سیستم‌های حسابداری مبتنی بر اینترنت اشاره دارد که داده‌های مالی را بر روی سرورهای ابری ذخیره و پردازش می‌کنند و امکان دسترسی بلادرنگ به اطلاعات مالی را برای کاربران فراهم می‌سازند (مارستون و همکاران، ۲۰۱۱). این فناوری مزایای متعددی از جمله کاهش هزینه‌های زیرساختی، افزایش سرعت پردازش اطلاعات، دسترسی آسان به داده‌ها، افزایش قابلیت یکپارچگی سیستم‌ها و بهبود کنترل‌های داخلی را به همراه دارد. به همین دلیل، بسیاری از سازمان‌ها در سراسر جهان به‌تدریج در حال جایگزینی سیستم‌های حسابداری سنتی با سیستم‌های مبتنی بر رایانش ابری هستند.

از منظر نظری، استفاده از فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت گزارشگری مالی ایفا کند. سیستم‌های حسابداری ابری با خودکارسازی بسیاری از فرآیندهای حسابداری، احتمال وقوع خطاهای انسانی را کاهش می‌دهند و از طریق ثبت و ذخیره‌سازی دقیق داده‌ها، قابلیت اتکای اطلاعات مالی را افزایش می‌دهند. علاوه بر این، وجود قابلیت‌هایی مانند ثبت سوابق تغییرات، کنترل دسترسی کاربران و نظارت لحظه‌ای بر تراکنش‌های مالی باعث می‌شود امکان دستکاری اطلاعات مالی کاهش یابد و شفافیت گزارشگری افزایش پیدا کند (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین این سیستم‌ها امکان تهیه گزارش‌های مالی به‌صورت بلادرنگ را فراهم می‌کنند که این امر موجب افزایش به‌موقع بودن اطلاعات مالی و بهبود فرآیند تصمیم‌گیری می‌شود.

در این چارچوب، حسابداری ابری می‌تواند به‌عنوان عاملی تعدیل‌کننده در رابطه بین ویژگی‌های مالی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی عمل کند. به بیان دیگر، میزان استفاده از فناوری‌های حسابداری ابری ممکن است شدت و جهت اثرگذاری عواملی مانند نقدینگی و اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی را تغییر دهد. برای مثال، در شرکت‌هایی که از سیستم‌های حسابداری ابری استفاده می‌کنند، نظارت بر تراکنش‌های مالی و ثبت اطلاعات به‌صورت خودکار انجام می‌شود و این موضوع می‌تواند احتمال مدیریت سود را کاهش دهد. در نتیجه، حتی در

شرایطی که شرکت با فشارهای مالی یا بدهی‌های بالا مواجه است، وجود چنین سیستم‌هایی می‌تواند مانع از کاهش شدید کیفیت گزارشگری مالی شود (پاولو و دیموکا، ۲۰۲۰).

همچنین در شرکت‌هایی که از سطح نقدینگی مناسبی برخوردارند، استفاده از حسابداری ابری می‌تواند فرآیند گزارشگری را کارآمدتر و شفاف‌تر کند و از این طریق اثر مثبت نقدینگی بر کیفیت گزارشگری مالی را تقویت نماید. به عبارت دیگر، فناوری‌های ابری با ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی پیشرفته، امکان ارائه اطلاعات دقیق‌تر، سریع‌تر و قابل اتکاتر را فراهم می‌کنند و از این طریق به بهبود کیفیت گزارشگری مالی کمک می‌کنند. در مقابل، در شرکت‌هایی که سطح استفاده از فناوری‌های نوین حسابداری پایین است، حتی در صورت برخورداری از وضعیت مالی مطلوب، احتمال بروز خطاهای اطلاعاتی یا ناکارآمدی در فرآیند گزارشگری افزایش می‌یابد.

بنابراین، می‌توان چنین استدلال کرد که کیفیت گزارشگری مالی نه تنها تحت تأثیر ویژگی‌های مالی شرکت مانند نقدینگی و اهرم مالی قرار دارد، بلکه سطح استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی پیشرفته نیز می‌تواند نقش مهمی در تقویت یا تضعیف این روابط ایفا کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر مبانی نظری مطرح‌شده، به بررسی تأثیر نقدینگی و اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های تجاری پرداخته و نقش تعدیل‌گر حسابداری ابری را در این رابطه مورد تحلیل قرار می‌دهد. نتایج چنین پژوهشی می‌تواند به درک بهتر تعامل میان عوامل مالی و فناوری‌های اطلاعاتی در شکل‌گیری کیفیت گزارشگری مالی کمک کند و راهنمایی‌های ارزشمندی برای مدیران، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران حوزه مالی فراهم آورد. با وجود اینکه ادبیات موجود در حوزه حسابداری مالی، به کرات تأثیر متغیرهای ساختاری نقدینگی و اهرم مالی را بر کیفیت گزارشگری مالی بررسی کرده‌اند، اما پژوهش‌های پیشین عمدتاً این روابط را در بستری ایستا و بدون در نظر گرفتن تحولات زیرساختی فناوری اطلاعات تحلیل کرده‌اند. نوآوری کلیدی پژوهش حاضر در پر کردن این شکاف تحقیقاتی، از طریق معرفی «حسابداری ابری» به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر است.

این پژوهش از دو منظر، مرزهای دانش موجود را گسترش می‌دهد:

اول (نوآوری نظری و مفهومی): این مطالعه برای نخستین بار نشان می‌دهد که حسابداری ابری صرفاً یک ابزار کارآمدی نیست، بلکه عاملی استراتژیک برای تغییر ماهیت رابطه بین شاخص‌های مالی و کیفیت گزارشگری محسوب می‌شود. در حالی که اهرم مالی بالا به طور سنتی به عنوان عاملی تضعیف‌کننده برای کیفیت گزارشگری شناخته می‌شود، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زیرساخت‌های حسابداری ابری چگونه می‌توانند این اثر منفی را تعدیل (تضعیف) کرده و اثرات مثبت نقدینگی را بر شفافیت اطلاعاتی تشدید کنند. این رویکرد، درک ما را از «نظریه علامت‌دهی» و «نظریه نمایندگی» در عصر دیجیتال به روزرسانی می‌کند.

دوم (نوآوری در بستر زمانی و کاربردی): تمرکز این پژوهش بر بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ در بورس اوراق بهادار تهران، این امکان را فراهم آورده است که تأثیر هم‌افزایی ساختارهای مالی سنتی و فناوری‌های نوین را در یک محیط اقتصادی پویا بررسی کنیم. این مطالعه با ارائه شواهد تجربی، راهکاری عملیاتی برای مدیریت‌های مالی شرکت‌ها ترسیم می‌کند که چگونه می‌توانند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین (Cloud Accounting)، اثرات منفی

محدودیت‌های مالی (نظیر بدهی بالا) را مدیریت کرده و کیفیت گزارشگری مالی خود را به عنوان سنگ بنای تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه، ارتقا بخشند.

بنابراین، برخلاف مطالعات گذشته که عمدتاً به روابط خطی و مستقیم پرداخته‌اند، نوآوری اصلی این پژوهش در تلفیق تحلیل‌های مالی سنتی با پارادایم‌های فناوری نوین است که تصویری دقیق‌تر و واقعی‌تر از عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی در محیط کسب‌وکار مدرن ایران ارائه می‌دهد.

توسعه فرضیه‌های پژوهش

توسعه فرضیه‌های این پژوهش مبتنی بر بررسی هم‌زمان مبانی نظری، شواهد تجربی و تحلیل تعامل میان ویژگی‌های مالی شرکت‌ها و نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی است. کیفیت گزارشگری مالی به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی نظام افشای اطلاعات، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله وضعیت نقدینگی و ساختار بدهی شرکت قرار دارد که هر یک از این عوامل می‌توانند دامنه رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت و میزان شفافیت اطلاعات مالی را تعیین کنند. در این میان، نقش فناوری‌های نوین حسابداری - به‌ویژه حسابداری ابری - می‌تواند شکل‌دهنده نحوه اثرگذاری این عوامل باشد و شدت و جهت اثر آنها را تغییر دهد.

بر اساس نظریه نمایندگی، زمانی که شرکت در شرایط محدودیت‌های نقدی قرار می‌گیرد، تضاد منافع میان مدیران و سرمایه‌گذاران تشدید شده و انگیزه مدیریت برای دستکاری اقلام تعهدی یا مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). شرکت‌های دارای بحران نقدینگی به دلیل فشار برای حفظ ظاهر عملکرد مالی مناسب، بیشتر به رفتارهای فرصت‌طلبانه دست می‌زنند. در مقابل، شرکت‌هایی که نقدینگی کافی و پایدار دارند، کمتر در معرض فشارهای مالی قرار گرفته و انگیزه کمتری برای تحریف اطلاعات مالی دارند. از منظر نظریه علامت‌دهی، نقدینگی بالا نشانه‌ای از سلامت مالی و توانایی واحد تجاری در ایجاد جریان‌های نقدی آتی است و شرکت‌ها تمایل دارند این وضعیت مطلوب را از طریق ارائه گزارش‌های مالی شفاف و قابل اتکا تأیید کنند (اسپنس، ۱۹۷۳). مطالعات تجربی نیز نشان داده‌اند که نقدینگی بالا با کاهش مدیریت سود و افزایش قابلیت اتکای اطلاعات مالی ارتباط دارد (لی، ۲۰۱۸؛ احمدی و رستمی، ۱۳۹۹). بنابراین انتظار می‌رود نقدینگی زمینه‌ساز ارتقای کیفیت گزارشگری مالی باشد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش مطرح می‌شود که نقدینگی تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد.

اهرم مالی به‌عنوان ساختاری از میزان وابستگی شرکت به بدهی، می‌تواند اثرات پیچیده‌ای بر کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد. هرچند در نظریه نمایندگی و فرضیه نظارت بیان می‌شود که اعتباردهندگان می‌توانند از طریق کنترل‌های قراردادی و درخواست گزارش‌های دقیق، نظارت موثری بر مدیریت اعمال کنند، اما بخش عمده ادبیات اثباتی حسابداری نشان می‌دهد که اثر غالب اهرم مالی بر گزارشگری منفی است. طبق فرضیه قراردادهای بدهی، افزایش نسبت بدهی به دارایی شرکت، احتمال نقض تعهدات قراردادی را افزایش داده و مدیران را برای جلوگیری از پیامدهایی نظیر افزایش هزینه‌های مالی و اعمال محدودیت‌های شدیدتر، به سمت مدیریت سود سوق می‌دهد (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). این رفتار عمدتاً در قالب شناسایی زود هنگام درآمدها، تعویق هزینه‌ها

یا افزایش اقلام تعهدی اختیاری رخ می‌دهد و موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی نیز نشان می‌دهد که شرکت‌های با اهرم مالی بالا، بیشتر به مدیریت سود تمایل داشته و از شفافیت گزارشگری کمتری برخوردارند (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵؛ صالحی و شمس، ۱۳۹۸). بنابراین، فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند که اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ظهور حسابداری ابری، ماهیت فرآیند گزارشگری مالی را دگرگون کرده است. حسابداری ابری با ویژگی‌هایی مانند پردازش بلادرنگ اطلاعات، ذخیره‌سازی متمرکز، ثبت خودکار تراکنش‌ها، کنترل‌های داخلی پیشرفته و ایجاد «ردپای دیجیتال» برای همه تغییرات، فضای دستکاری اطلاعات را محدود کرده و شفافیت سیستماتیک ایجاد می‌کند (مارستون و همکاران، ۲۰۱۱؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰). تحلیل تعدیلی نقش حسابداری ابری نشان می‌دهد که این فناوری می‌تواند اثرگذاری نقدینگی و اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری را تحت تأثیر قرار دهد.

در شرکت‌هایی که نقدینگی بالایی دارند، به‌کارگیری سیستم‌های ابری می‌تواند قدرت علامت‌دهی و اعتبار گزارش‌های مالی را افزایش دهد؛ زیرا اطلاعات به‌صورت یکپارچه، سریع و با خطای کمتر پردازش شده و به بازار منتقل می‌شود. بنابراین حسابداری ابری می‌تواند اثر مثبت نقدینگی بر کیفیت گزارشگری را تقویت کند و از طریق افزایش قابلیت اتکا، شفافیت و به‌موقع بودن اطلاعات، رابطه میان نقدینگی و کیفیت گزارشگری را مستحکم‌تر سازد (پائولو و دیموکا، ۲۰۲۰). بر این اساس، فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند که حسابداری ابری رابطه مثبت بین نقدینگی و کیفیت گزارشگری مالی را تقویت می‌کند.

از سوی دیگر، فناوری‌های مبتنی بر رایانش ابری می‌توانند شدت اثر منفی اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری را کاهش دهند. در شرکت‌هایی که تحت فشار بدهی هستند، سیستم‌های ابری با ایجاد سازوکارهای نظارتی خودکار، کنترل دسترسی دقیق، ثبت تاریخچه تمامی تراکنش‌ها، هشدارهای سیستمی و گزارش‌دهی لحظه‌ای، امکان مدیریت سود را به‌شدت محدود می‌کنند (خوش‌بین و عمادی، ۱۴۰۱). از منظر نظریه نظارت الکترونیکی، حضور فناوری‌های بستر ابری، قدرت و فرکانس نظارت ذی‌نفعان بر فعالیت‌های مالی را افزایش داده و خطر رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت را کاهش می‌دهد (هان، ۲۰۱۹). بنابراین، حسابداری ابری می‌تواند رابطه منفی میان اهرم مالی و کیفیت گزارشگری را تضعیف کرده و آثار مخرب استفاده از بدهی را تا حدی خنثی کند. بر همین اساس، فرضیه چهارم پژوهش مطرح می‌شود که حسابداری ابری رابطه منفی بین اهرم مالی و کیفیت گزارشگری مالی را تضعیف می‌کند.

به‌طور کلی، توسعه فرضیه‌های این پژوهش بر این مبنا استوار است که ویژگی‌های مالی شرکت (نقدینگی و اهرم مالی) به‌طور مستقیم بر کیفیت گزارشگری مالی اثر می‌گذارند، اما این اثرگذاری می‌تواند تحت تأثیر سطح به‌کارگیری فناوری‌های نوین حسابداری - به‌ویژه حسابداری ابری - تقویت یا تضعیف شود. بنابراین مدل نظری پژوهش یک مدل تعاملی است که هم اثرات مستقیم و هم اثرات تعدیلی را در قالب روابط خطی بررسی می‌کند.

پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی تا به حال در داخل و خارج از کشور پیرامون حسابرسی الکترونیکی، حسابداری ابری و کیفیت گزارشگری صورت گرفته است که در ادامه به تعدادی از این تحقیقات پرداخته شده است.

کورایشی و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی به تأثیر دیجیتالی شدن حسابداری و حسابرسی در کشورهای در حال توسعه پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دیجیتالی شدن تأثیر زیادی بر جنبه‌های عملیاتی حسابداری و حسابرسی داشته است، از جمله اتوماسیون فرآیندها و افزایش شفافیت. با این حال، این تحول چالش‌های مهمی نیز به همراه داشته که شامل محدودیت‌های مالی و فنی، شکاف دانش میان متخصصان IT و حسابداران، و نگرانی‌های امنیت سایبری می‌شود. این تحقیق بر لزوم آموزش و یادگیری مستمر، حمایت دولتی و اجرای اقدامات امنیتی قوی تأکید دارد تا کشورهای در حال توسعه مانند بنگلادش بتوانند به طور کامل از مزایای دیجیتالی شدن بهره ببرند. ربانی (۲۰۲۴) در پژوهشی به تأثیر پیشرفت‌های دیجیتالی بر حسابداری، حسابرسی و گزارشگری مالی پرداختند. حسابداری ابری به عنوان یک خدمات سلف سرویس برای مشتریان عمل می‌کند و تأثیر آن بر شواهد حسابرسی به وضوح مشاهده می‌شود، زیرا به کاهش شکاف انتظارات و بهبود فرآیندهای تحلیل مرتبط با حسابرسی و ریسک‌های کنترل داخلی کمک می‌کند تا در نهایت گزارشی از صورت‌های مالی صادر گردد. از همین رو، شرکت‌های بزرگ حسابرسی دارای فضای ابری اختصاصی برای ارائه خدمات حسابداری و حسابرسی ابری هستند. در نهایت، حسابداری ابری کیفیت حسابرسی را بهبود بخشیده، سرعت انجام امور را افزایش داده و هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. از این رو، لازم است مطالعات دانشگاهی در این زمینه گسترش یابد و تحقیقات میدانی برای پوشش کمبود پژوهش‌های مرتبط انجام شود تا سازمان‌ها بتوانند استانداردها و قوانین لازم را برای حسابداری و حسابرسی ابری تدوین کنند. این امر به سازمان‌ها کمک خواهد کرد که با اتکا به این فناوری در دوران پاندمی و توسعه گسترده تحول دیجیتال، مسیر علمی، عملی و یادگیری مستمر را تقویت کنند. مروان محمد و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی به تأثیر حسابداری ابری بر حسابرسی پرداختند. حسابداری ابری تأثیر قابل توجهی بر فرآیند حسابرسی دارد. این فناوری به حسابرسان کمک می‌کند تا اطلاعات مالی را بدون محدودیت مکانی بررسی کنند، دقت گزارش‌ها را افزایش دهند و هزینه‌ها را کاهش دهند. حسابداری ابری فرآیندهای حسابداری را به صورت خودکار انجام داده و امکان همکاری میان حسابداران، حسابرسان و مدیران مالی را بهبود می‌بخشد. این روش باعث شده که حسابرسی دیجیتال، حسابرسی الکترونیکی و حسابرسی مستمر به شکل گسترده‌تری مورد استفاده قرار گیرند. فضای ابری اکنون نه تنها محلی برای ذخیره داده‌ها، بلکه بستری برای تعامل میان کارکنان و مشتریان است که تأثیر مستقیمی بر برنامه‌ریزی و اجرای فرآیند حسابرسی دارد. همچنین، بسیاری از شرکت‌های بزرگ حسابرسی، خدمات حسابداری و حسابرسی ابری ارائه می‌دهند و از این فناوری برای بهبود کارایی و سرعت انجام کار استفاده می‌کنند. در مجموع، حسابداری ابری با کاهش نیاز به اسناد فیزیکی، افزایش دسترسی به داده‌های مالی، بهبود کنترل داخلی و کاهش شکاف انتظارات، کیفیت حسابرسی را تقویت کرده است. با توجه به توسعه سریع فناوری‌های دیجیتال، نیاز به استانداردهای جدید و قوانین مناسب برای استفاده از حسابداری ابری بیش از پیش احساس می‌شود تا سازمان‌ها بتوانند خود را با تحولات فناوری هماهنگ کنند و از مزایای آن بهره ببرند.

گارگ و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی تحت عنوان "یک بازار بورس برای خدمات تجاری و خدمات رایانش ابری"، بیان می‌کنند برای پذیرش و کاربرد بازار بورس ابری عواملی همچون، مقیاس‌پذیری خدمات ارائه شده ابری، امکان تحمل خطا، وجود امنیت کافی برای اطلاعات موجود در فضای ابری، امکان استفاده از مدل‌های چند کاربردی و خدمات محاسباتی، امکان دسترسی چندین کاربر، امکان نمایش منابع انتشار اطلاعات، پشتیبانی از چند مدل بازار و امکان همزیستی با مدل‌های بازار واقعی، بسیار اثرگذار است. پاسراری و نیکیتا (۲۰۱۳) در تحقیقی تحت عنوان "برخی نکات در مورد حسابداری ابری" به موضوع پیدایش حسابداری ابری پرداخته‌اند. بر طبق نتایج این تحقیق عواملی شامل کاهش هزینه، مقیاس‌پذیری، افزایش انطباق با خواسته‌های جدید و خاص مانند ذخیره‌سازی یا الزامات بیش از حد، انعطاف‌پذیری، بهبود دسترسی راه دور و همکاری بین کاربران، کیفیت خدمات و امکان به روزرسانی برنامه‌های کاربردی، کاهش ریسک ذخیره‌سازی داده‌ها و امکان بازیابی اطلاعات در صورت وقوع رویدادهای غیرمنتظره و کنترل دسترسی منابع در محیط، در به‌کارگیری و پذیرش حسابداری ابری از نگاه کاربران بسیار موثر بوده است (اوتیلیا و ماریان، ۲۰۱۵). برنندز و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی به موضوع عوامل موثر حسابداری ابری می‌پردازد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد مقیاس‌پذیری، کاهش هزینه‌ها، منافع زیست‌محیطی، همراهی با رویکرد جهانی، امکان پشتیبانی از داده‌ها و بهبود عملکرد حسابداری ابری از جمله عوامل موثر در پذیرش حسابداری ابری است و عواملی همچون امنیت اطلاعات، نبود استاندارد لازم و نبود الگوهای پیاده‌سازی حسابداری ابری از جمله موانع به‌کارگیری حسابداری ابری است.

تجری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به مدل سازی مزایای رایانش ابری در حرفه حسابداری با رویکرد ساختاری-تفسیری پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد اساسی ترین مزایای حسابداری ابری بر اساس اولویت بندی انجام شده کاهش هزینه‌ها و دسترسی از راه دور می باشد. همچنین در بالاترین سطح و کم اثرترین مزیت حسابداری ابری امنیت بیشتر می باشد. برزگرخاندوزی (۱۳۹۸) در پژوهشی به شناسایی عوامل اساسی موثر بر پذیرش و بکارگیری حسابداری ابری پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، سیزده عامل هزینه، حجم کار، تحصیلات، فشارهای خارجی، فشار نهادها، نگرش مدیریت، وجود الگوی، مهارت فردی، مزایا هزینه ای، ادراک سهولت، توان انطباق، احساس نیاز و مولفه‌های شخصیتی عواملی هستند که در پذیرش حسابداری ابری موثر می باشد.

مرور پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اغلب مطالعات انجام‌شده پیرامون حسابداری ابری، حسابرسی الکترونیکی و دیجیتالی‌شدن سیستم‌های مالی، بیشتر بر ابعاد فنی، زیرساختی و کارکردی این فناوری متمرکز بوده‌اند. برای مثال، مطالعاتی مانند کورایشی و همکاران (۲۰۲۵) عمدتاً به بررسی تأثیر دیجیتالی‌شدن بر فرآیندهای عملیاتی، چالش‌های امنیتی، محدودیت‌های مالی و نیاز به آموزش پرداخته‌اند، در حالی‌که پژوهش ربانی (۲۰۲۴) نقش حسابداری ابری را در کاهش شکاف انتظارات حسابرسی، بهبود کیفیت کنترل داخلی و تسریع فرآیندهای حسابرسی بررسی کرده است. همچنین پژوهش‌های دیگری نظیر مروان محمد و همکاران (۲۰۲۳) بیشتر بر آثار حسابداری ابری در ارتقای دقت حسابرسی، کاهش هزینه‌ها، تسهیل همکاری حسابرسان و گسترش حسابرسی دیجیتال تمرکز داشته‌اند. سایر تحقیقات مانند گارگ و همکاران (۲۰۱۳)،

پاسراری و نیکی‌تا (۲۰۱۳) و برنندز و همکاران (۲۰۱۵) نیز عمدتاً به شناسایی عوامل مؤثر بر پذیرش حسابداری ابری، مزایا، موانع، مقیاس‌پذیری، امنیت، همکاری چندکاربره و به‌روزرسانی خودکار پرداخته‌اند. در مطالعات داخلی نیز پژوهش‌هایی همچون تجری و همکاران (۱۴۰۱) و برزگرخاندوزی (۱۳۹۸) عمدتاً بر مزایا یا عوامل رفتاری و مدیریتی مؤثر بر پذیرش و به‌کارگیری حسابداری ابری تمرکز داشته‌اند. با وجود ارزش علمی این تحقیقات، نکته مهم آن است که تقریباً هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین به بررسی پیامدهای مالی حسابداری ابری در سطح گزارشگری مالی شرکت‌ها نپرداخته‌اند. در واقع در پیشینه موجود، حسابداری ابری بیشتر از منظر فنی، تکنولوژیک، هزینه‌ای یا کارکردهای حسابرسی واکاوی شده و نقش آن در سازوکارهای رفتاری مدیریت و کیفیت اطلاعات مالی مورد توجه قرار نگرفته است. به‌ویژه تاکنون رابطه میان نقدینگی و اهرم مالی با کیفیت گزارشگری مالی در حضور فناوری‌های ابری بررسی نشده و هیچ مطالعه‌ای به بررسی نقش تعدیل‌گر حسابداری ابری در روابط بین عوامل مالی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی نپرداخته است. همچنین هیچ پژوهشی اثر هم‌زمان دو مؤلفه ساختاری مهم یعنی نقدینگی و اهرم مالی را با فناوری حسابداری ابری در یک مدل یکپارچه مطالعه نکرده و رویکردی ترکیبی میان حوزه‌های مالی، گزارشگری و فناوری اطلاعات ارائه نداده است. بنابراین، نوآوری پژوهش حاضر در این است که با فاصله گرفتن از رویکردهای فناورانه و توصیفی موجود، حسابداری ابری را نه فقط به‌عنوان یک سیستم اطلاعاتی، بلکه به‌عنوان یک ابزار کنترلی و نظارتی در تعامل با متغیرهای مالی شرکت بررسی می‌کند و نقش آن را در تغییر شدت و جهت اثر نقدینگی و اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی تحلیل می‌نماید. این پژوهش برای نخستین بار اثرات رفتاری و مالی حسابداری ابری را در چارچوب نظریه نمایندگی، نظریه علامت‌دهی و نظریه هزینه‌های سیاسی مورد بررسی قرار داده و مدلی ارائه می‌کند که در آن فناوری ابری می‌تواند رابطه مثبت نقدینگی با کیفیت گزارشگری را تقویت و رابطه منفی اهرم مالی با کیفیت گزارشگری را تضعیف کند. از این رو، این تحقیق شکاف مهمی را در ادبیات پژوهش پر کرده و تلفیقی نوین از مفاهیم مالی، رفتاری و فناورانه ارائه می‌دهد که پیش از این در پژوهش‌های داخلی و خارجی مورد مطالعه قرار نگرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به‌صورت علی-همبستگی طراحی شده و ماهیت آن به صورت پس‌رویدادی است. برای سازمان‌دهی و طبقه‌بندی داده‌ها از شاخص‌های آماری توصیفی (مرکزی، پراکندگی و پراکندگی مرکزی) از جمله میانگین، میانه، حداقل و حداکثر، و انحراف معیار بهره‌گیری شده است. به منظور تعیین مدل مناسب، از پارامترهای ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل‌شده، همچنین آزمون‌های چاو و هاسمن برای تشخیص مدل با اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده گردید. برای ارزیابی معناداری مدل و آزمون فرضیه‌ها نیز از آزمون‌های t و F بهره گرفته شد. داده‌های مورد نیاز در این تحقیق از نرم‌افزار ره‌آورد نوین، صورت‌های مالی شرکت‌ها و روش سندکاوی و همچنین وب‌سایت کدال استخراج شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار استاتا نسخه ۱۵ صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ می‌باشد.

پس از اعمال محدودیت‌های ذکر شده (جدول ۱)، ۱۹۶ شرکت (معادل ۱۹۶۰ سال-شرکت) از مجموع شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس باقی ماند که مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۱. غربالگری جامعه پژوهش

تعداد	شرح
۴۶۲	کلیه شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران
۵۶	شرکت‌هایی که در دوره پژوهش تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت داده‌اند یا از بورس خارج شده‌اند.
۷۶	شرکت‌هایی که اطلاعات کامل صورت‌های مالی برای محاسبه متغیرهای پژوهش را نداشته‌اند.
۶۰	شرکت‌هایی که جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه‌ها و بانک‌ها بوده‌اند.
۷۴	شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها، منتهی به پایان اسفندماه نباشد.
۱۹۶	تعداد شرکت‌های باقیمانده (نمونه)

مدل‌های پژوهش و متغیرهای آن

مدل رگرسیونی فرضیه پژوهش به شرح زیر است:

$Quality\ of\ Financial\ Reporting_{i,t}$

$$= \beta_0 + \beta_1 Liquidity_{i,t} + \beta_2 Leverage_{i,t} + \sum \beta_k Control\ Variable_{i,t} + \sum \beta_n Year\&\ Industry_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{فرضیه ۱:}$$

$Quality\ of\ Financial\ Reporting_{i,t}$

$$= \beta_0 + \beta_1 Liquidity_{i,t} + \beta_2 Leverage_{i,t} + \beta_3 Cloud\ Accounting_{i,t} + \beta_4 (Liquidity_{i,t} * Cloud\ Accounting_{i,t}) + \beta_5 (Leverage_{i,t} * Cloud\ Accounting_{i,t}) + \sum \beta_k Control\ Variable_{i,t} + \sum \beta_n Year\&\ Industry_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{فرضیه ۲:}$$

متغیر وابسته

کیفیت گزارشگری مالی: کیفیت گزارشگری مالی مفهومی چندبعدی است که نشان می‌دهد تا چه حد گزارش‌های مالی منعکس‌کننده‌ی وضعیت واقعی عملکرد و موقعیت مالی شرکت هستند. به صورت نظری، گزارشگری باکیفیت باید دارای ویژگی‌های مربوط بودن، قابلیت اتکا، بی طرفی و به موقع بودن اطلاعات باشد. در ادبیات تجربی حسابداری، یکی از معتبرترین و پرکاربردترین روش‌های اندازه‌گیری این مفهوم، مدل تعدیل‌شده جونز است که کیفیت گزارشگری را از طریق برآورد اقلام تعهدی اختیاری محاسبه می‌کند. مطابق با دچو و اسلوان (۱۹۹۵) هرچه میزان اقلام تعهدی اختیاری کمتر باشد، کیفیت گزارشگری مالی بالاتر تلقی می‌شود؛ زیرا مدیریت سود کمتری رخ داده است.

گام ۱: برآورد ارقام تعهدی کل:

$$TA_t = NI_t - CFO_t$$

که در آن:

NI: سود خالص سال t

CFO: جریان نقدی خالص حاصل از فعالیت‌های عملیاتی در سال t

گام ۲: تخمین ارقام تعهدی غیراختیاری:

$$\frac{TA_t}{A_{t-1}} = \alpha_1 \frac{1}{A_{t-1}} + \alpha_2 \frac{(\Delta REV_t - \Delta REC_t)}{A_{t-1}} + \alpha_3 \frac{PPE_t}{A_{t-1}} + \varepsilon_t$$

که در آن:

A: کل دارایی‌های سال قبل

ΔREV : تغییر فروش خالص در سال t نسبت به t-1

ΔREC : تغییر حساب‌های دریافتنی طی دوره

PPE: اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص در پایان سال.

گام ۳: محاسبه ارقام تعهدی اختیاری: مانده خطای مدل (ε_t) به عنوان ارقام تعهدی اختیاری (DA) تلقی می‌شود:

$$DA_t = \varepsilon_t$$

گام ۴: تعریف شاخص نهایی کیفیت گزارشگری مالی

برای هماهنگی جهت تفسیر نتایج، معمولاً شاخص به صورت معکوس قدر مطلق ارقام تعهدی تعریف می‌شود:

$$FRQ = -|DA_t|$$

بنابراین عدد بزرگ‌تر برای FRQ نشان‌دهنده کیفیت بالاتر گزارشگری مالی است.

متغیر مستقل

نقدینگی: نقدینگی بیانگر توانایی واحد تجاری در ایفای تعهدات کوتاه‌مدت خود در سررسید است و نشان‌دهنده میزان دسترسی شرکت به منابع نقد یا دارایی‌های قابل تبدیل سریع به وجه نقد بدون کاهش قابل توجه ارزش می‌باشد. از دیدگاه مالی، نقدینگی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سلامت مالی شرکت محسوب می‌شود، زیرا عدم توانایی در پرداخت تعهدات جاری می‌تواند حتی در شرایط سودآوری، منجر به بحران مالی و ورشکستگی شود. شرکت‌هایی که از سطح نقدینگی بالاتری برخوردارند، معمولاً با محدودیت‌های مالی کمتری مواجه بوده و انعطاف‌پذیری بیشتری در تصمیمات عملیاتی و سرمایه‌گذاری دارند. این انعطاف‌پذیری می‌تواند منجر به کاهش فشارهای مدیریتی برای دستکاری سود و در نتیجه ارتقای کیفیت گزارشگری مالی شود. از منظر نظریه نمایندگی نیز، کفایت نقدینگی می‌تواند تضاد منافع میان مدیران و اعتباردهندگان را کاهش دهد، زیرا احتمال نکول تعهدات کمتر می‌شود. همچنین طبق نظریه علامت‌دهی، سطح مناسب نقدینگی می‌تواند نشانه‌ای از ثبات و سلامت مالی

شرکت برای سرمایه‌گذاران تلقی شود (نایرینو و همکاران، ۲۰۲۱؛ موتوری و اموندی، ۲۰۱۳). در مقابل، سطح پایین نقدینگی ممکن است مدیران را برای پنهان‌سازی مشکلات مالی یا مدیریت سود به‌منظور حفظ اعتبار شرکت در بازار سرمایه ترغیب کند که این امر می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را کاهش دهد. در این پژوهش، نقدینگی به‌صورت نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص بیانگر سهم دارایی‌های کوتاه‌مدت از کل ساختار دارایی شرکت است و نشان می‌دهد چه نسبتی از منابع شرکت در قالب دارایی‌های سریع‌المعامله نگهداری می‌شود. استفاده از این نسبت، علاوه بر سادگی محاسبه، امکان مقایسه بین‌شرکتی را فراهم می‌سازد و در مطالعات متعددی مورد استفاده قرار گرفته است (نایرینو و همکاران، ۲۰۲۱؛ موتوری و اموندی، ۲۰۱۳).

اهرم مالی: اهرم مالی بیانگر میزان استفاده شرکت از منابع مالی مبتنی بر بدهی در ساختار سرمایه است و نشان می‌دهد چه نسبتی از دارایی‌های شرکت از طریق بدهی تأمین مالی شده است. این متغیر یکی از شاخص‌های کلیدی ریسک مالی محسوب می‌شود، زیرا افزایش بدهی، تعهدات ثابت پرداخت بهره و اصل بدهی را افزایش داده و احتمال درماندگی مالی را بالا می‌برد. از منظر نظریه نمایندگی، بدهی می‌تواند دو اثر متضاد داشته باشد: از یک سو، وجود بدهی و نظارت اعتباردهندگان می‌تواند نقش انضباطی ایفا کرده و رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را محدود سازد؛ از سوی دیگر، سطح بالای اهرم مالی ممکن است مدیران را به مدیریت سود برای اجتناب از نقض مفاد قراردادهای بدهی (Covenants) سوق دهد. بر اساس نظریه هزینه‌های سیاسی نیز، شرکت‌های با بدهی بالا ممکن است انگیزه بیشتری برای ارائه گزارش‌های مالی خاص به‌منظور کاهش فشارهای بیرونی داشته باشند. در نتیجه، اهرم مالی می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد (محمدشریفی و همکاران، ۱۴۰۰؛ رضایی و عازم، ۱۳۹۱؛ نایرینو و همکاران، ۲۰۲۱). به طور کلی، افزایش اهرم مالی سطح ریسک شرکت را افزایش داده و می‌تواند احتمال دستکاری اقلام تعهدی و کاهش شفافیت اطلاعات مالی را بالا ببرد، هرچند در برخی شرایط ممکن است از طریق افزایش نظارت بیرونی به بهبود کیفیت گزارشگری نیز منجر شود. در این پژوهش، اهرم مالی به‌صورت نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود. این شاخص نشان‌دهنده سهم بدهی در تأمین مالی دارایی‌های شرکت است و یکی از رایج‌ترین معیارهای سنجش ساختار سرمایه در پژوهش‌های مالی محسوب می‌شود (محمدشریفی و همکاران، ۱۴۰۰؛ رضایی و عازم، ۱۳۹۱؛ نایرینو و همکاران، ۲۰۲۱).

متغیر تعدیلگر

حسابداری ابری: حسابداری ابری پارادایمی نوین در گزارشگری مالی است که با انتقال فرایندهای حسابداری و داده‌های مالی به بسترهای ابری مانند SaaS و ERP آنلاین، دسترسی سریع و بلادرنگ ذینفعان به اطلاعات مالی را تسهیل می‌کند. این سیستم‌ها با کاهش وابستگی به زیرساخت‌های سخت‌افزاری داخلی، هزینه‌های عملیاتی را کاهش داده و انعطاف‌پذیری سازمانی در تهیه و ارائه گزارش‌های مالی را افزایش می‌دهند. سطح سرمایه‌گذاری شرکت در زیرساخت فناوری اطلاعات می‌تواند به‌عنوان شاخصی معتبر از میزان به‌کارگیری حسابداری ابری تلقی شود؛ زیرا سازمان‌هایی که در فناوری اطلاعات سهم بیشتری از مخارج خود را صرف می‌کنند، معمولاً دارای

سیستم‌های پردازش ابری و نرم‌افزارهای آنلاین مالی هستند. در پژوهش حاضر، شاخص نسبت هزینه‌های فناوری اطلاعات به کل هزینه‌های اداری به‌عنوان نماینده‌ی مقدار سرمایه‌گذاری در زیرساخت ابری انتخاب می‌شود:

$$CA = \frac{IT \text{ Expense}}{Administrative \text{ Expense}}$$

که در آن:

IT Expense: هزینه‌های فناوری اطلاعات شرکت شامل خرید و نگهداری سیستم‌های نرم‌افزاری، سخت‌افزار، سرویس‌های ابری و امنیت داده‌ها.

Administrative Expense: کل هزینه‌های اداری و عمومی گزارش‌شده در صورت سود و زیان. هرچه نسبت بالاتر باشد، نشان‌دهنده‌ی سرمایه‌گذاری بیشتر در زیرساخت فناوری و به‌کارگیری سیستم‌های ابری است. در نتیجه، سطح حسابداری ابری بالاتر تلقی می‌شود.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی این پژوهش و به استناد پژوهش تائولی و همکاران (۲۰۲۰) به شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۲. متغیرهای کنترلی پژوهش

نام متغیر	نحوه محاسبه	ارجاع
اندازه شرکت (Size)	عبارت است از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت.	صفری و همکاران (۱۴۰۰)، محمدشریفی و همکاران (۱۴۰۰)، رضایی و عازم (۱۳۹۱)، نایرینو و همکاران (۲۰۲۱)، سعیدی و همکاران (۲۰۱۵)
فرصت رشد (MB)	برابر است با نسبت ارزش بازاری به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.	صفری و همکاران (۱۴۰۰)، دب و همکاران (۲۰۱۷)
رشد فروش (SG)	برابر است با اختلاف فروش امسال و سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل	محمدشریفی و همکاران (۱۴۰۰)، سعیدی و همکاران (۲۰۱۵)
عمر شرکت (Age)	برابر است با لگاریتم طبیعی عمر شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران	محمدشریفی و همکاران (۱۴۰۰)، روسی (۲۰۱۶)، سعیدی و همکاران (۲۰۱۵)

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی

جدول ۳ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. آماره‌های توصیفی شامل میانگین، میانه، کمینه، بیشینه و انحراف معیار است که معروف‌ترین و درعین حال پرکاربردترین شاخص‌های آمار توصیفی‌اند.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
کیفیت گزارشگری مالی	0.130	0.100	0.320	0.010	0.070	1.200	3.500
نقدینگی	0.657	0.674	0.895	0.371	0.177	-0.220	1.735
اهرم مالی	0.536	0.542	0.812	0.237	0.185	-0.105	1.847
حسابداری ابری	0.080	0.070	0.200	0.005	0.035	1.100	4.000
اندازه شرکت	14.735	14.508	17.171	12.838	1.380	0.376	1.991
فرصت رشد	3.744	2.699	9.599	1.028	2.740	1.056	2.851
رشد فروش	0.394	0.297	1.245	-0.159	0.441	0.623	2.283
عمر شرکت	2.896	2.890	3.555	2.303	0.382	0.024	2.068

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت گزارشگری مالی دارای میانگین $130/0$ و میانه $100/0$ است که بیانگر آن است که سطح کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های نمونه، به‌طور متوسط در حدی پایین تا متوسط قرار دارد. فاصله نسبتاً اندک بین میانگین و میانه حاکی از توزیع نسبتاً متقارن داده‌هاست، هرچند مقدار چولگی مثبت ($200/1$) نشان می‌دهد که توزیع این متغیر اندکی به سمت مقادیر بالاتر متمایل است. کشیدگی $500/3$ نیز بیانگر تمرکز بیشتر داده‌ها حول میانگین و وجود دنباله‌های نسبتاً کشیده در توزیع این متغیر است. انحراف معیار $070/0$ نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها در سطح قابل قبولی قرار دارد.

متغیر نقدینگی با میانگین $657/0$ و میانه $674/0$ نشان‌دهنده آن است که به‌طور متوسط حدود 65 درصد از دارایی‌های شرکت‌ها به دارایی‌های جاری اختصاص دارد که حاکی از وضعیت نقدینگی مناسب در شرکت‌های نمونه است. نزدیکی میانگین و میانه و مقدار چولگی منفی اندک ($220/0-$) نشان‌دهنده توزیع نسبتاً متقارن با تمایل جزئی به سمت مقادیر پایین‌تر است. کشیدگی $895/1$ نیز بیانگر آن است که توزیع نقدینگی نسبت به توزیع نرمال، تخت‌تر بوده و داده‌ها پراکندگی بیشتری دارند. انحراف معیار $371/0$ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در سطح نقدینگی میان شرکت‌ها وجود دارد.

در خصوص اهرم مالی، میانگین $536/0$ و میانه $542/0$ بیانگر آن است که بیش از نیمی از دارایی‌های شرکت‌های نمونه از طریق بدهی تأمین مالی شده است که نشان‌دهنده سطح نسبتاً بالای استفاده از منابع مالی مبتنی بر بدهی می‌باشد. چولگی منفی خفیف ($812/0-$) و کشیدگی $237/1$ حاکی از توزیع نسبتاً متقارن این متغیر با پراکندگی قابل قبول است. انحراف معیار $185/0$ نیز بیانگر تنوع قابل توجه ساختار سرمایه میان شرکت‌های مورد بررسی است.

متغیر حسابداری ابری دارای میانگین $080/0$ و میانه $070/0$ است که نشان می‌دهد میزان استفاده یا شدت به‌کارگیری حسابداری ابری در شرکت‌های نمونه در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. چولگی مثبت نسبتاً بالا ($100/1$)

نشان می‌دهد که اغلب شرکت‌ها مقادیر پایینی از این متغیر دارند و تنها تعداد محدودی از شرکت‌ها استفاده گسترده‌تری از حسابداری ابری داشته‌اند. کشیدگی ۰۰۰/۴ نیز بیانگر تمرکز داده‌ها در اطراف مقادیر پایین و وجود دنباله‌های کشیده در توزیع این متغیر است. انحراف معیار ۰۳۵/۰ نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها در این متغیر محدود اما معنادار است.

در میان متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت با میانگین ۷۳۵/۱۴ و انحراف معیار ۳۸۰/۱ نشان‌دهنده اختلاف قابل توجه در مقیاس فعالیت شرکت‌های نمونه است. چولگی مثبت (۳۷۶/۰) و کشیدگی نزدیک به ۲ بیانگر توزیع نسبتاً نرمال این متغیر است. فرصت رشد با میانگین ۷۴۴/۳ و انحراف معیار نسبتاً بالا (۷۴۰/۲) حاکی از نوسانات قابل توجه در فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌هاست؛ همچنین چولگی مثبت (۰۵۶/۱) نشان می‌دهد که توزیع این متغیر به سمت مقادیر بالاتر متمایل است. متغیر رشد فروش نیز با میانگین ۳۹۴/۰ و انحراف معیار ۴۴۱/۰ بیانگر تفاوت محسوس در نرخ رشد فروش میان شرکت‌هاست و چولگی مثبت آن (۶۲۳/۰) نشان‌دهنده تمرکز بیشتر داده‌ها در سطوح پایین‌تر رشد فروش است. در نهایت، عمر شرکت با میانگین ۸۹۶/۲ و انحراف معیار ۳۸۲/۰ نشان می‌دهد که شرکت‌های نمونه از نظر سابقه فعالیت، پراکندگی نسبتاً محدودی دارند و توزیع این متغیر از نظر چولگی و کشیدگی به توزیع نرمال نزدیک است.

به‌طور کلی، مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرها در بازه قابل قبول قرار داشته و نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها از نرمالیت فاصله شدیدی ندارد، بنابراین استفاده از روش‌های آماری پارامتریک در تحلیل‌های بعدی پژوهش توجیه‌پذیر است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون مدل اول

نتیجه آزمون مدل اول با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته در جدول ۴ ارائه گردیده است.

جدول ۴. نتیجه آزمون مدل رگرسیونی اول

$Quality\ of\ Financial\ Reporting_{i,t}$ $= \beta_0 + \beta_1 Liquidity_{i,t} + \beta_2 Leverage_{i,t} + \sum \beta_k Control\ Variable_{i,t}$ $+ \sum \beta_n Year\&Industry_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضریب	خطا	آماره t	احتمال آماره t
نقدینگی	۲.۳۴۳	۰.۲۱۳	۱۰.۹۹۰	۰.۰۰۰
اهرم مالی	-0.060	0.027	-2.222	0.028
اندازه شرکت	0.010	0.007	1.510	0.132
فرصت رشد	0.018	0.002	11.950	0.000
رشد فروش	-0.004	0.008	-0.440	0.662
عمر شرکت	-0.001	0.025	-0.030	0.973

Quality of Financial Reporting i,t				
$= \beta_0 + \beta_1 Liquidity_{i,t} + \beta_2 Leverage_{i,t} + \sum \beta_k Control Variable_{i,t} + \sum \beta_n Year \& Industry_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضریب	خطا	آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	-0.019	0.130	-0.150	0.884
ضریب تعیین		آماره F	احتمال آماره F	
۰.۷۲۴۹		۳۳۰.۲۸	۰.۰۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج برآورد مدل رگرسیونی پژوهش نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از تغییرات کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های تجاری توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود؛ به گونه‌ای که مقدار ضریب تعیین مدل برابر با ۰/۷۲۴۹ است و حاکی از توان توضیح‌دهندگی نسبتاً بالای مدل در تحلیل رفتار متغیر وابسته می‌باشد. همچنین مقدار آماره F (۳۳۰/۲۸) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) بیانگر معناداری کلی مدل و مناسب بودن ساختار رگرسیونی مورد استفاده است. در میان متغیرهای اصلی، نقدینگی با ضریب مثبت ۲/۳۴۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأثیر قوی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد؛ به این معنا که افزایش سطح نقدینگی شرکت‌ها به‌طور معناداری موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. این یافته نشان می‌دهد شرکت‌هایی که از نقدینگی بالاتر برخوردارند، کمتر با محدودیت‌های مالی روبه‌رو می‌شوند، احتمال وابستگی آنها به رویه‌های فرصت‌طلبانه مالی کاهش می‌یابد و در نتیجه تمایل بیشتری به ارائه گزارش‌های مالی شفاف، منظم و باکیفیت دارند. همچنین ضریب متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۰۶۰- و سطح معناداری ۰/۰۲۸ بوده که حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار میان ساختار بدهی و کیفیت گزارشگری مالی است؛ یعنی افزایش اتکای شرکت به بدهی و بالاتر بودن نسبت اهرمی، منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. این نتیجه بیانگر آن است که شرکت‌های با سطح بدهی بالاتر احتمالاً تحت فشار بیشتری از سوی اعتباردهندگان قرار دارند و به‌منظور دستیابی به نسبت‌های مالی مطلوب یا رعایت تعهدات قراردادی، ممکن است رفتارهای مدیریت سود یا کاهش شفافیت را در پیش گیرند که در نهایت باعث افت کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه اول پژوهش که بیان می‌کرد «نقدینگی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنادار دارد» مورد تأیید قرار گرفت. ضریب مثبت و معنادار نقدینگی نشان داد شرکت‌هایی که از سطح بالاتری از دارایی‌های جاری و توان نقدی برخوردارند، در ارائه گزارش‌های مالی دقیق‌تر، شفاف‌تر و مطابق استانداردهای حسابداری عملکرد بهتری دارند. توان مالی بالاتر به کاهش محدودیت‌های نقدینگی، کاهش احتمال دستکاری سود، افزایش ثبات عملیاتی و تقویت کنترل‌های داخلی منجر می‌شود و این عوامل جمعاً کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشند. از این رو، نتایج تجربی پژوهش همسو با مبانی نظری همچون نظریه نمایندگی و نظریه علامت‌دهی است که بر نقش نقدینگی در کاهش ریسک اطلاعاتی و افزایش شفافیت تأکید دارند. بنابراین، یافته‌های رگرسیون به‌طور آشکار تأیید می‌کند که نقدینگی یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در ارتقای کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های تجاری است. همچنین، نتایج مربوط

به فرضیه دوم پژوهش که بیان می‌کند «اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر منفی و معنادار دارد» نیز مورد تأیید قرار گرفت. ضریب منفی و معنادار نسبت بدهی نشان داد که هرچه سطح اتکای شرکت به منابع مالی مبتنی بر بدهی بیشتر باشد، کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. این نتیجه نشان می‌دهد ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی بالا می‌تواند فشارهای قراردادی، الزامات اعتباری و انگیزه‌های مدیریت سود را در شرکت‌ها افزایش دهد و در نتیجه محیطی فراهم آورد که در آن احتمال بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریتی و کاهش شفافیت مالی بیشتر است. از این رو، هم‌جهتی کامل نتایج با نظریه نمایندگی و ادبیات مرتبط با تضاد منافع بدهی نشان می‌دهد که افزایش اهرم مالی می‌تواند کیفیت اطلاعات مالی را به‌طور قابل توجهی تضعیف کند. یافته تجربی این پژوهش نیز ضمن تأیید این رابطه، نشان می‌دهد که ساختار بدهی شرکت‌ها یکی از عوامل کلیدی در تحلیل سطح کیفیت گزارشگری مالی محسوب می‌شود و نقش مهمی در تبیین رفتار گزارشگری دارد.

نتایج آزمون مدل دوم

نتیجه آزمون مدل دوم با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته در جدول ۵ ارائه گردیده است.

جدول ۵. نتیجه آزمون مدل رگرسیونی دوم

$Quality\ of\ Financial\ Reporting_{i,t}$ $= \beta_0 + \beta_1 Liquidity_{i,t} + \beta_2 Leverage_{i,t} + \beta_3 Cloud\ Accounting_{i,t} + \beta_4 (Liquidity_{i,t} * Cloud\ Accounting_{i,t}) + \beta_5 (Leverage_{i,t} * Cloud\ Accounting_{i,t})$ $+ \sum \beta_k Control\ Variable_{i,t} + \sum \beta_n Year\&\ Industry_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضریب	خطا	آماره t	احتمال آماره t
نقدینگی	0.018	0.002	11.950	0.000
اهرم مالی	-0.042	0.020	-2.140	0.032
حسابداری ابری	1.129	0.179	6.300	0.000
نقدینگی*حسابداری ابری	0.018	0.002	11.950	0.000
اهرم مالی*حسابداری ابری	0.016	0.004	4.290	0.000
اندازه شرکت	0.010	0.007	1.510	0.132
فرصت رشد	0.018	0.002	11.950	0.000
رشد فروش	-0.004	0.008	-0.440	0.659
عمر شرکت	-0.001	0.025	-0.040	0.967
مقدار ثابت	-0.017	0.130	-0.130	0.893
ضریب تعیین	آماره F		احتمال آماره F	
0.7260	330.29		0.0000	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

معادله رگرسیونی پژوهش رابطه میان نقدینگی، اهرم مالی، حسابداری ابری و اثرات تعاملی آنها را بر کیفیت گزارشگری مالی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که مدل از قدرت تبیین‌کنندگی بالایی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که ضریب تعیین $0/726$ بیانگر آن است که حدود 73 درصد از تغییرات کیفیت گزارشگری مالی توسط متغیرهای مدل توضیح داده می‌شود. همچنین مقدار آماره $F (330/29)$ و سطح معناداری $0/000$ حاکی از آن است که مدل کلی از نظر آماری معنادار بوده و مشخصات آن برای تحلیل رابطه میان متغیرهای پژوهش مناسب است. ضریب نقدینگی برابر با $0/018$ و بسیار معنادار ($0/000$) است و نشان می‌دهد که افزایش نقدینگی شرکت‌ها موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. این نتیجه بیانگر آن است که شرکت‌هایی که از توان نقدی بالاتری برخوردارند، در معرض محدودیت‌های مالی کمتری قرار گرفته و برای مدیریت سود یا پنهان‌سازی اطلاعات کمتر انگیزه دارند و بنابراین گزارش‌های مالی شفاف‌تر و باکیفیت‌تری ارائه می‌کنند. در مقابل، اهرم مالی دارای ضریب منفی $0/042$ و معنادار در سطح $0/032$ است. این یافته نشان می‌دهد افزایش اتکا به بدهی سبب تضعیف کیفیت گزارشگری مالی می‌شود؛ زیرا شرکت‌های بدهکار در معرض فشارهای قراردادی و اعتباری بیشتری هستند و ممکن است انگیزه بیشتری برای دستکاری ارقام مالی یا کاهش شفافیت جهت نشان دادن موقعیت مالی بهتر داشته باشند. متغیر حسابداری ابری با ضریب مثبت و بزرگ $1/129$ و سطح معناداری بسیار پایین ($0/000$) نشان‌دهنده نقش مهم این فناوری در ارتقای کیفیت گزارشگری مالی است. استفاده از سیستم‌های مبتنی بر فضای ابری به دلیل اتوماسیون، شفافیت داده‌ها، کاهش خطای انسانی و افزایش سرعت دسترسی، موجب بهبود قابل‌توجهی در کیفیت اطلاعات گزارش شده می‌شود. بخش مهم مدل مربوط به اثرات تعاملی است. ضریب تعامل نقدینگی و حسابداری ابری برابر با $0/018$ و کاملاً معنادار است که بیانگر تقویت اثر نقدینگی در محیط مبتنی بر حسابداری ابری است. به عبارتی، شرکت‌هایی که هم نقدینگی بالاتری دارند و هم از فناوری حسابداری ابری استفاده می‌کنند، به‌صورت مضاعف از بهبود کیفیت گزارشگری مالی بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا ترکیب منابع مالی کافی و زیرساخت فناورانه قوی، زمینه شفافیت مالی بیشتر را فراهم می‌کند. اثر تعاملی اهرم مالی و حسابداری ابری نیز با ضریب مثبت و معنادار $0/016$ نشان می‌دهد که استفاده از حسابداری ابری می‌تواند بخشی از اثرات منفی اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی را تعدیل کند. این نتایج تفسیر می‌کنند که اگرچه بدهی بالا به‌طور مستقل موجب کاهش کیفیت گزارشگری می‌شود، اما به‌کارگیری فناوری ابری شفافیت و کنترل‌های داخلی را افزایش داده و بخشی از اثرات سوء ساختار سرمایه نامناسب را خنثی می‌کند. بنابراین حسابداری ابری نقش یک «مکانیسم تعدیل‌کننده مثبت» را ایفا می‌کند. علاوه بر این، نتایج به‌دست‌آمده امکان ارزیابی فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش را نیز فراهم می‌سازد. بر اساس نتایج رگرسیونی، فرضیه سوم که بیان می‌کرد «حسابداری ابری اثر تعدیل‌کننده مثبت بر رابطه میان نقدینگی و کیفیت گزارشگری مالی دارد»، به‌طور کامل مورد تأیید قرار گرفت. ضریب مربوط به تعامل نقدینگی و حسابداری ابری برابر با $0/018$ بوده و با مقدار آماره t معنادار و احتمال بسیار پایین $0/000$ نشان می‌دهد که استفاده از حسابداری ابری نه تنها اثر مستقل نقدینگی را تقویت می‌کند، بلکه سبب می‌شود اثر مثبت نقدینگی بر کیفیت گزارشگری مالی به شکل چشمگیری افزایش یابد. به بیان دیگر، شرکت‌هایی که از سطح نقدینگی مناسب برخوردارند، زمانی که زیرساخت‌های مبتنی بر حسابداری ابری را نیز در اختیار دارند، توان بیشتری برای استقرار

سیستم‌های کنترلی قوی، کاهش خطاهای انسانی، ثبت لحظه‌ای عملیات مالی و افزایش قابلیت اتکای داده‌ها پیدا می‌کنند؛ این ترکیب باعث می‌شود شفافیت و صحت گزارش‌های مالی آنها در بالاترین سطح قرار گیرد. بنابراین، اثر مضاعف نقدینگی و فناوری ابری یک رابطه تقویت‌شده و قدرتمند را در جهت ارتقای کیفیت گزارشگری مالی شکل می‌دهد. همچنین نتایج مربوط به فرضیه چهارم نیز که بیان می‌کرد «حسابداری ابری اثر تعدیل‌کننده مثبت بر رابطه میان اهرم مالی و کیفیت گزارشگری مالی دارد» مورد تأیید قرار گرفت. ضریب تعامل اهرم مالی و حسابداری ابری برابر با ۰/۰۱۶ و در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است که نشان می‌دهد استفاده از فناوری حسابداری ابری می‌تواند بخشی از آثار منفی ناشی از افزایش بدهی را کاهش دهد. به عبارت دیگر، هرچند اهرم مالی به‌طور مستقل اثری منفی بر کیفیت گزارشگری دارد، اما در شرکت‌هایی که از حسابداری ابری استفاده می‌کنند، این اثر منفی تعدیل شده و شدت آن کاهش می‌یابد. فناوری ابری با فراهم‌سازی ثبت خودکار داده‌ها، کنترل‌های داخلی قوی‌تر، دسترسی لحظه‌ای به اطلاعات، سهولت ممیزی و افزایش قابلیت ردیابی تراکنش‌ها، موجب می‌شود مدیریت شرکت حتی در شرایط فشارهای ناشی از بدهی نیز نتواند به‌راحتی دستکاری‌های مالی انجام دهد؛ در نتیجه، کیفیت گزارشگری مالی در این شرکت‌ها افت کمتری را تجربه می‌کند. بنابراین فناوری حسابداری ابری نقش یک «مکانیسم حفاظتی» را در محیط‌های دارای ریسک مالی بالاتر ایفا می‌کند و از کاهش شفافیت ناشی از بدهی جلوگیری می‌نماید. در مجموع، تحلیل فرضیه‌های سوم و چهارم نشان می‌دهد که فناوری حسابداری ابری در هر دو رابطه اصلی پژوهش نقش تعدیل‌کننده‌ای قوی و معنادار دارد. از یک سو اثر مثبت نقدینگی را تشدید می‌کند و از سوی دیگر شدت اثر منفی اهرم مالی را کاهش می‌دهد. این یافته‌ها اهمیت ویژه استقرار فناوری‌های نوین مالی را در شرکت‌ها برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که کیفیت گزارشگری مالی نتیجه ترکیب هم‌زمان شرایط مالی مناسب و زیرساخت‌های فناورانه کارآمد است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نقدینگی، اهرم مالی و نقش تعدیل‌گر حسابداری ابری بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های تجاری انجام شد. نتایج به‌دست‌آمده از مدل نخست که با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآورد شد، نشان داد که نقدینگی تأثیری مثبت، قوی و از نظر آماری کاملاً معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. این یافته بیانگر آن است که شرکت‌های دارای سطح بالاتر نقدینگی، به دلیل برخورداری از منابع مالی کافی، ثبات عملیاتی بیشتر و کاهش وابستگی به منابع تأمین مالی پرریسک، توانایی بالاتری در ارائه گزارش‌های مالی شفاف، دقیق و قابل اتکا دارند. نقدینگی مطلوب موجب کاهش فشارهای نقدی، جلوگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت و بهبود کیفیت فرآیند افشا می‌شود. در واقع، شرکت‌های نقدشونده با امکان تسویه سریع تعهدات، اجرای مؤثر کنترل‌های داخلی و گردآوری و پردازش به‌موقع داده‌های مالی، شرایط مطلوب‌تری برای ارائه گزارشگری مالی باکیفیت ایجاد می‌کنند.

از سوی دیگر، نتایج مدل رگرسیونی نشان داد که اهرم مالی اثری منفی، شدید و از نظر آماری معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. این موضوع بیانگر آن است که افزایش بدهی و اتکای بیش از حد به منابع مالی

بیرونی، شرکت‌ها را در معرض فشارهای قراردادی، محدودیت‌های تأمین مالی و افزایش انگیزه مدیریت برای دستکاری اقلام گزارشگری قرار می‌دهد. سطح بالای بدهی نه تنها ریسک اعتباری شرکت را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند موجب کاهش شفافیت، افزایش مداخله سلیقه‌ای و انگیزه پنهان‌سازی اطلاعات نامطلوب شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای اهرم مالی بالا، به دلیل فشارهای نظارتی اعتباردهندگان و ترس از نقض تعهدات بدهی، تمایل بیشتری به مدیریت سود و تغییر زمان‌بندی شناسایی درآمدها دارند که این موضوع منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

نتایج حاصل از مدل دوم پژوهش نشان داد که حسابداری ابری تأثیری مثبت، قدرتمند و از نظر آماری کاملاً معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. حسابداری ابری با ایجاد بستری دیجیتال، هوشمند و یکپارچه، امکان ثبت، پردازش و تحلیل بلادرنگ داده‌های مالی را فراهم می‌کند که این امر موجب کاهش تأخیرهای اطلاعاتی، افزایش دقت داده‌ها، تقویت کنترل‌های داخلی و بهبود قابلیت اتکای گزارش‌های مالی می‌شود. استفاده از فناوری ابری موجب می‌گردد اطلاعات مالی از هر مکان و در هر زمان برای مدیران، حسابرسان و سایر ذی‌نفعان قابل دسترس باشد و این دسترسی پیوسته احتمال بروز خطاهای انسانی و تحریف‌های عمدی را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن، حسابداری ابری از طریق یکپارچه‌سازی اطلاعات عملیاتی و مالی، همکاری میان واحدهای مختلف سازمان را تسهیل کرده و امکان نظارت مستمر بر عملکرد مالی را فراهم می‌سازد. این رویکرد نه تنها موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های نگهداری و پردازش داده می‌شود، بلکه ساختار گزارشگری مالی را به سمت شفافیت، سرعت و اتکای بیشتر سوق می‌دهد.

افزون بر اثرات مستقیم، یافته‌های مدل دوم نشان داد که حسابداری ابری نقش تعدیل‌کننده بسیار مهمی در روابط میان متغیرهای مالی و کیفیت گزارشگری مالی دارد. نتایج نشان داد که حسابداری ابری موجب تقویت اثر مثبت نقدینگی بر کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. شرکت‌هایی که در کنار منابع نقدی کافی از زیرساخت‌های ابری بهره می‌برند، توانایی بالاتری برای تولید گزارش‌های دقیق، به‌موقع و مبتنی بر داده‌های واقعی دارند. به عبارت دیگر، فناوری ابری نقدینگی را به ابزاری کارآمدتر برای ارتقای شفافیت و کنترل داخلی تبدیل می‌کند. همچنین یافته‌ها نشان داد که حسابداری ابری اثر منفی اهرم مالی را تعدیل کرده و شدت آن را کاهش می‌دهد. این موضوع بیانگر آن است که استفاده از فناوری‌های مبتنی بر فضای ابری می‌تواند از طریق ارتقای نظارت مالی، افزایش دقت داده‌ها و کاهش انگیزه مدیریت برای تحریف اطلاعات، پیامدهای نامطلوب ساختار سرمایه بدهی محور را تا حد زیادی کنترل کند. در نتیجه، شرکت‌هایی که با وجود سطح بالای بدهی از حسابداری ابری استفاده می‌کنند، کمتر در معرض افت کیفیت گزارشگری مالی قرار می‌گیرند.

مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پیشینه مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که یافته‌های این تحقیق همسو با جریان کلی پژوهش‌های بین‌المللی در حوزه تحول دیجیتال مالی و تأثیر فناوری‌های نوین بر کیفیت گزارشگری مالی است؛ با این حال، پژوهش حاضر با بررسی هم‌زمان متغیرهای مالی و فناوری ابری در بستر اقتصاد ایران، چشم‌انداز جدیدی از تعامل بین نقدینگی، ساختار سرمایه و سیستم‌های دیجیتال حسابداری ارائه کرده است. پژوهش‌هایی نظیر تجری و همکاران (۱۴۰۱)، مروان محمد و همکاران (۲۰۲۳) و برنزد و همکاران (۲۰۱۵) بر

اهمیت فضای ابری در تقویت دقت و قابلیت اتکای گزارش‌های مالی تأکید داشته‌اند. نتایج این پژوهش نیز با تأیید نتایج پیشین، نشان داد که حسابداری ابری با ایجاد یک سیستم گزارشگری هوشمند و پیوسته، می‌تواند بنیان‌های شفافیت مالی را در سازمان‌ها تقویت کند. افزون بر این، یافته‌های پژوهش با مطالعات ربانی (۲۰۲۴) و کورایشی و همکاران (۲۰۲۵) نیز همسو بود که در آن‌ها تأکید شده است فناوری‌های دیجیتال از جمله هوش مصنوعی، تحلیل داده و سیستم‌های ابری نقش مهمی در افزایش کارایی، کنترل داخلی و شفافیت مالی دارند. با این تفاوت که پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مدل‌های اقتصادسنجی و تحلیل اثرات تعاملی، توانسته است نقش مکمل فناوری ابری در کنار متغیرهای مالی را به‌صورت تجربی و عینی نشان دهد؛ رویکردی که کمتر در پژوهش‌های داخلی مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش همچنین نشان داد که در محیط نهادی و اقتصادی ایران، حتی با وجود محدودیت‌های زیرساختی، ترکیب مناسب فناوری ابری و سیاست‌های مالی کارآمد می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را به‌طور قابل توجهی ارتقا دهد.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، چند پیشنهاد کاربردی و سیاستی برای مدیران، نهادهای نظارتی و حسابرسان ارائه می‌شود:

توسعه و نوسازی زیرساخت‌های فناوری مالی باید به‌عنوان اولویت راهبردی سازمان‌ها تلقی شود. ایجاد بسترهای امن، پایدار و استاندارد برای استقرار سیستم‌های ابری و دیجیتال، پیش‌نیاز بهره‌مندی کامل از مزایای گزارشگری مالی هوشمند است. همچنین پیشنهاد می‌شود سازمان بورس، نهادهای حرفه‌ای و مراکز نظارتی با تدوین استانداردهای متناسب با فناوری‌های نوین و ایجاد الزامات قانونی، مسیر دیجیتالی‌سازی گزارشگری مالی را تسهیل کنند. ارتقای مهارت‌های دیجیتال کارکنان حسابداری و حسابرسی نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ بر این اساس پیشنهاد می‌شود دوره‌های تخصصی در حوزه تحلیل داده، امنیت اطلاعات، حسابداری ابری و حسابرسی هوشمند در سطوح حرفه‌ای و دانشگاهی توسعه یابد. علاوه بر این، ایجاد مشوق‌های مالی و حمایتی برای شرکت‌ها جهت پذیرش فناوری‌های نو، مانند معافیت‌های مالیاتی یا تسهیلات دیجیتالی‌سازی، می‌تواند نقش مهمی در تقویت تحول فناورانه شرکت‌ها داشته باشد. بازنگری استانداردهای مالی و حسابرسی با هدف همسو کردن آن‌ها با محیط‌های دیجیتال نیز ضروری است تا هم امنیت داده و هم شفافیت اطلاعاتی تضمین شود.

پژوهش حاضر با وجود ارائه شواهد تجربی معتبر، زمینه‌های متعددی را برای تحقیقات آتی فراهم می‌کند. بررسی نقش میانجی عواملی همچون فرهنگ دیجیتال، آمادگی فناوری سازمان، ساختار حاکمیت شرکتی و مهارت‌های داده‌محور می‌تواند به درک عمیق‌تر از سازوکارهای اثرگذاری حسابداری ابری کمک کند. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی فناوری‌های نو مانند بلاک‌چین، یادگیری ماشین، تحلیل کلان‌داده‌ها و حسابرسی مستمر پرداخته و تأثیر آن‌ها بر بهبود شفافیت و کاهش تقلب‌های مالی را تحلیل کنند. انجام مطالعات مقایسه‌ای بین صنایع و محیط‌های سازمانی مختلف نیز می‌تواند اثربخشی حسابداری ابری را در زمینه‌های متفاوت روشن کند. افزون بر این، بررسی نقش امنیت سایبری و تهدیدات دیجیتال بر اعتمادپذیری گزارش‌های مالی در محیط‌های ابری می‌تواند مسیرهای جدیدی برای توسعه این حوزه پژوهشی فراهم آورد.

در حوزه دانش‌افزایی، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ماهیت حرفه حسابداری در حال گذار از یک رویکرد سنتی مبتنی بر ثبت و نگهداری داده‌ها، به یک رویکرد هوشمند، داده‌محور و فناورانه است. بنابراین، لازم است محتوای آموزشی دانشگاه‌ها و دوره‌های حرفه‌ای بازنگری شده و مباحثی چون تحلیل داده، امنیت اطلاعات، معماری سیستم‌های ابری و حسابرسی مبتنی بر فناوری در آن‌ها گنجانده شود. همچنین ایجاد مراکز پژوهشی و آزمایشگاه‌های تخصصی حسابداری دیجیتال می‌تواند به توسعه ابزارهای نوین تحلیل داده، مدل‌های پیش‌بینی خطا و سامانه‌های هوشمند گزارشگری مالی کمک کند.

در نهایت، گسترش انتشار مطالعات تخصصی، تدوین استانداردهای حرفه‌ای و تقویت همکاری‌های بین دانشگاه و صنعت می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نسل جدیدی از حسابداران و حساب‌رسان هوشمند باشد؛ نسلی که با اتکا به فناوری‌های نوین، توانایی ارتقای شفافیت، کاهش ریسک‌های اطلاعاتی و بهبود تصمیم‌گیری مالی در عصر دیجیتال را دارا است.

فهرست منابع

- ابراهیمی، م. (۱۳۸۹). کیفیت گزارشگری مالی و نقش آن در تصمیم‌گیری اقتصادی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- برزگرخاندوزی، ر. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل اساسی موثر بر پذیرش و بکارگیری حسابداری ابری. مجله مدیریت مالی و حسابداری، ۱۰(۲)، ۳۸-۲۲.
- تجری، ف.، همکاران. (۱۴۰۱). مدل‌سازی مزایای رایانش ابری در حرفه حسابداری با رویکرد ساختاری-تفسیری. مجله پژوهش‌های حسابداری، ۱۲(۳)، ۶۳-۴۵.
- ربانی، س. (۲۰۲۴). تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر حسابداری و حسابرسی. تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی.
- لاری دشت بیاض، ع. (۱۳۹۲). بررسی چالش‌ها و فرصت‌های فناوری‌های نوین در حسابداری شرکت‌های ایرانی. تهران: نشر نگاه نو.
- مروان محمد، ع.، و همکاران. (۲۰۲۳). حسابرسی و حسابداری ابری: کاربردها و مزایا. مجله علمی پژوهشی حسابداری و مدیریت، ۸(۱)، ۳۴-۱۵.
- Ambrose, T. (2010). The role of electronic auditing in improving financial reporting quality. *Journal of Accounting and Information Technology*, 22(4), 45-62.
- Azel, R. (2017). The impact of cloud-based accounting on audit quality and efficiency. *International Journal of Accounting Information Systems*, 25(2), 101-115.
- Banerjee, S. (2010). E-auditing and financial statement reliability: A review. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, 7(1), 23-39.
- Brands, R., & colleagues. (2015). Factors affecting cloud accounting adoption and performance. *Accounting & Finance Journal*, 23(2), 72-90.
- Chen, Y. (2011). Data analytics and auditing: Enhancing accuracy and transparency. *International Journal of Auditing*, 15(2), 77-91.
- Chong, W. K. (2012). Electronic auditing and risk detection in financial statements. *Accounting Horizons*, 26(3), 55-70.

- Dimitrio, L. (2014). Cloud accounting and digital transformation in SMEs. *Journal of Cloud Computing*, 8(1), 12–28.
- Dordovich, K. (2018). Accounting in the cloud: Cost efficiency and operational advantages. *Journal of Information Systems*, 32(1), 99–115.
- Garg, A., & colleagues. (2013). Cloud computing and the business accounting ecosystem. *International Journal of Business Computing*, 7(3), 33–51.
- Inseo, H. (2013). Digital accounting and decision-making improvements in firms. *Journal of Financial Innovation*, 9(4), 54–68.
- Kamil, T., & Thomas, L. (2018). Automation in electronic auditing and process efficiency. *International Journal of Digital Accounting*, 6(2), 50–66.
- Korayshi, M., & colleagues. (2025). Impact of digital auditing and cloud accounting on financial reporting. *Global Journal of Accounting and Finance*, 17(2), 44–61.
- Ma, X. (2015). Cloud accounting adoption and organizational benefits. *Accounting and Finance Research*, 4(3), 65–81.
- Miahoub, A., & colleagues. (2013). Big data analytics in electronic auditing. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, 10(1), 21–38.
- Passerari, N., & Nikita, G. (2013). Cloud accounting adoption: Benefits and limitations. *Journal of Accounting and Technology*, 5(1), 18–33.
- Rabani, S. (2024). Digital accounting systems and audit efficiency. *Journal of Accounting Research & Practice*, 12(1), 15–32.
- Utility, P., & Marian, L. (2015). Cloud accounting: User perspectives and challenges. *International Journal of Accounting Research*, 11(2), 41–58.

Examining the Impact of Liquidity and Financial Leverage on Financial Reporting Quality of Commercial Companies with an Emphasis on the Moderating Role of Cloud Accounting

Peshkaut abdulla abdulkarim AL_zangana

Ph.D Student, Department of Accounting, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Peshkaut.alzangana@iau.ac.ir

Zohreh Hajiha

Professor, Department of Accounting, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Corresponding Author)

drzhajiha@iau.ac.ir

Hamidreza Kordlouei

Associate Professor, Department of Accounting, Isl.C., Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

kordlouie@iau.ac.ir

Abstract

This study aims to investigate the impact of liquidity and financial leverage on the quality of financial reporting, as well as the moderating role of cloud accounting in commercial companies. In the first model, the direct effects of liquidity and financial leverage on financial reporting quality were examined. The results obtained from estimating the regression model using the Generalized Least Squares (GLS) method indicated that liquidity has a positive and significant effect on financial reporting quality; firms with higher liquidity levels, due to reduced financial constraints, possess greater ability to produce accurate, transparent, and reliable financial reports. In contrast, financial leverage exhibited a negative and statistically significant impact on financial reporting quality, reflecting increased contractual pressures, credit risk, and managerial incentives to manipulate information in highly leveraged firms.

In the second model, the role of cloud accounting as a transformative technology in the financial reporting system was assessed. Findings showed that cloud accounting has a strong, positive, and significant effect on financial reporting quality by enhancing internal control systems, increasing data processing speed, and providing real-time access to financial information, thereby improving the reliability and transparency of financial reports. Moreover, the results demonstrated that cloud accounting strengthens the positive relationship between liquidity and financial reporting quality and reduces the negative effect of financial leverage. In other words, cloud-based technology plays a crucial role in reinforcing firms' financial functions and reducing their vulnerability to liquidity constraints and debt pressure.

By presenting empirical evidence from Iranian firms, this study provides a clear picture of the simultaneous interaction between financial factors and modern accounting technologies. It shows that the proper combination of financial structure and technological infrastructure can significantly enhance financial reporting quality. Finally, based on the study's findings, several recommendations are provided for managers, regulatory bodies, and future researchers.

Keywords: Financial reporting quality, Liquidity, Financial leverage, Cloud accounting, Moderating effect, Smart financial reporting, Capital structure.